



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

دریای رحمت

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

شاءالله، این گردهمایی به طور مداوم باشند. ماشاءالله. این انجمن ها ماندگار هستند. این یک قسمت برای همه کسی نیست. الله عز و جل مردم را خلق کرده، راه راست را نشان داد، و راه خوب را نشان داد، اما مردم به این راه خیلی نمیایند. نفس شان آن را نمی خواهد. شیطان آن را نمی خواهد. صد موانع میایند زمانی که مردم تلاش می کنند یک عمل خوب انجام بدهند. اینطوری با هر کار است. آن سخت است انجام دادن. سخت است کارهای خوب انجام دادن. میگویند "ساختند سخت است، اما خراب کردن آسان است". این از این نوع است.

شیخ افندی و شیوخ ما را مثل یک سنگ خشن می گیرند، و اندک اندک بتراشند و حجاری تا یک حکاکی زیبا درست کنند. آنها یک گوهر زیبا دارست می کنند و به ما ها یاد می دهند. آنها زیبایی آموزش می دهند و به مردم چیزهای زیبا نشان می دهند. به طوری که مردم در این راه به عنوان مردم خوب شناخته شده است، شیوخ می خواهند برای آموزش مرید های خود و دانش آموزان خود بهترین رفتار (ادب) در اکثر زمان. افرادی که آماده هستند برای آموزش، شیخ را کمک می کنند و شیخ را خوشحال می کنند.

برخی شیوخ هر کس را قبول می کنند، برخی شاید. هر شیخ آموزش ادب و آموزش های مختلف دارد. برخی شیخ هر کس را قبول نمی کنند. برخی شیخ ها مثل مولانا شیخ همه را قبول می کنند. آمدن به این راه و در میان انقدر ادب بد گفتند یک "الله"، این شیوخ خیلی تشکر برای این می گویند. اما، آنها یک عشق دیگری دارند برای برادران و خواهران (اخوان) که ادب خوب نشان می دهند واقعاً از نفس خودشان پیروز شدن.

بسیاری از مردم بودند که می گفتند که در این راه وارد شده بودن، شیخ هیچ چیز به آنها نه گفت، و اینطوری آمدن. مولانا شیخ همه را تحمل می کرد، اما در حال حاضر مولانا شیخ در آخرت است. برخی از افراد در حال حاضر پشیمان هستند، و برخی فکر می کنم حق با آنها است و در همین راه ادامه می دهند. هیچ چیز برای گفتن به آنها نداریم.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

کسانی که شیخ خود را در این دنیا اطاعت می کنند، نفس خود را تمیز می کنند، به راه بد نمیروند؛ بدون ریا اما با صداقت و در راه راست؛ با عشق به الله، با عشق به پیامبر (ص)، و با عشق به اولیای؛ آنها را اطاعت آن چه می گویند انجام می دهند که در آخرت به آنها نزدیک تر می شوند. درجه هر کس با توجه به خدمات که انجام داد و با توجه به خوب های که آنها انجام داد، است. هر چه قدر آنها شیخ را بیشتر پیروی کردن و دستورات او را بیشتر اطاعت کردن، آنها خیلی بیشتر نزدیک به او می شوند.

حتی اگر آنها را مولانا شیخ یک هزار دستور اطاعت کردن، آنها دوباره این سود را میبینند و حرکت به سوی شیخ خود در آخرت می روند. اما درجش خیلی بیشتر می شود. هنوز، درجه افرادی که با شیخ خود هستند، و دستورات و اظهارات او را اطاعت می کنند، و شیخ لازم نیست که به آنها تذکر بدهد، آنها بسیار متفاوت هستند.

حضرت رابعه عدویه یک زن بود، از زن های که اولیاء هستند. او هر شب هزار رکعت می خواند. وقتی که به او پرسیدن، "چرا این کار را انجام می دهید؟" او پاسخ داد، "این کار برای پاداش نیست. این را فقط گفتم به کشورهای دیگر برای این که ببینند و بگویم که حتی یک زن ضعیف از امت رسول اکرم هر شب هزار رکعت می خواند. فقط ب رای این دلیل انجام می دهم." ادب را نگاه کنید. خیلی ادب است. هزار رکعت یعنی که این حضرت در شب نه خوابید. و این فقط برای نشان دادن آنچه یک امت خوب از امت پیامبر به کشورهای دیگر مقایسه شده است. او می گوید که در راه است که او یک زن ضعیف است و دیگران می توانند بیش از او انجام بدهند. آنجا، نشان می دهد قدرت ایمان او و عشق که او به حضرت پیامبر دارد.

مولانا شیخ یک کلمه بد به هیچ کسی نه گفت. او یک کلمه که کسی را آسیب برساند نه گفت. هرگز لعن از دهان او بیرون نیامد. یک کلمه بود که دوست نداشت. حتی برای شیطان، او می گوید: "که او پیدا کند آن چه سزاوارش است." می توانست آن کلمه را بگوید، اما مولانا شیخ نمی خواست آن را از دهانش بیرون بیاورد. شکر به الله، او چیز های خوب برای ما ها داد، برای اخوان، برای همه، برای افرادی که او را میشناختند، و یا او را نمی شناختند. بسیاری از مردم، حتی برخی از افراد که بد از او فکر می کردن پشیمان بودند. الله می بخشد تا زمانی که آنها پشیمان هستند. خداوند آمرزنده است. شیخ ما تحمل را بیش از حد دوست دارد. همچنین بخشیدن.

به این چیزها تصوف و طریقت می گویم: انجام دادن فرمان های الله و به مردم رحمت نشان دادن و مهربان بودن. نه تنها به مردم، اما نیاز داریم با همه موجودات رحمت داشته باشیم. البته، رحمت با مردم آغاز می شود چرا که می خواهد مردم از رفتن به جهنم نجات کند. همانطور که گفتیم، او همه چیز را تحمل می کرد برای نجات شان. این در مورد کسی که به طور کامل از خودخواهی پاک است. او روح پاک است.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

خودخواهی در طریقت وجود ندارد. بسیاری از مردم است که کامل برعکس می گویند، "بگذارید آنها بمیرند! بگذارید آنها بروند به ته جهنم!" چنین چیزی با شیوخ (مشایخ) وجود ندارد. آنها میگویند، "این افراد را الله خلق کرده، این یک بنده است که الله خلق کرده، و برویم آنها را از جهنم نجات کنیم." او هیچ چیزهای مادی به دست نمی آورند با نجات کردن شما را از جهنم. آنها تنها این کار را به خاطر الله و نعمت های الله انجام میدن. این رحمت با مردم است. حتی اگر خیلی حیوانات بمیرند، آنها کثیف می شوند و می روند، اما آنچه که مهم است، زندگی انسان پس از این دنیا است. به همین دلیل است شیوخ سعی می کنند آنها را نجات کنند.

همانطور که گفتیم، شیوخ ها اینطوری هستند. آنها شیوخ ها وقایع هستند. البته دیگران هم وقایع هستند، اما آنها فقط می توانند حل کنند با کسانی که در اطراف آنها آمده اند. آن با توجه به قدرت خود است. برخی از آنها همه را قبول می کنند، و برخی از آنها چند نفر را قبول می کنند و آنها را کمک می کنند. درجه های خود را انجام می دهند، اما شیخ ما و بزرگترین اولیاء مثل حضرت مولانا رومی می خواهند همه را به دریای رحمت الله ببرند. دریای رحمت بزرگ است، و آن را به اندازه کافی برای همه است. یعنی چی که کافی است؟ اگر همه مردم وارد یک نقطه از این ریای رحمت بشوند، حتی آن هم بیش از حد برای مردم است. سلطنت و عظمت الله خیلی برای همه مردم است. حتی گرد و خاکش در نظر گرفته بزرگتر است.

که خداوند به این ایمان را، این خدمات را، این عشق را در قلب ما ها بگذرد انشاءالله. چونکه این عشق و این محبت مهم است.

این قضیه ها کار نمی کنند زمانی که ایمان وجود ندارد. انشاءالله کار می کند. مولانا شیخ همه شما را مثل یک دانه کاشت. او برای سال ها کمک کردن به مردم اطراف به مردم در که عذاب میکشند. او به کسانی که نزدیک بودن رفت، به کسانی که در اطراف بودن، و در همه جاهای دنیا رفت. چونکه او می خواست کافر را یک حضرت (والی) کند. سبسی، بسیاری از کافران مسلمان و اولیاء شدن. مولانا شیخ در همه جا رفت بدون توقف تا زمانی که انرژیش با خودش بود. او همه جا رفت برای دعوت کردن. این حکمت او است. واقعاً میبینیم که هر مرید او، مردمی که او رسید، در حال جمع آوری هستند. او به آنها یک راز داد.

نظر او، هنگامی که او نگاه می کند، قدرتی دارد که نمی تواند در ماشین آلات و تجهیزات دیده شود. این هم راز والی بودن است و راز کسانی که به قدوسیت رسیده اند. او باعث می شود که قلب بلافاصله کار کند، و او کلید قلب است. با این کلید، او به آرامی باز می شود. حتی اگر او هیچ کاری انجام نداد، مردم به آن حالت جلب می شوند و او مفید برای مردم است. که خداوند تقدیس کند راز او را (قدس سره)، که درجه او بالا می بشود، و انشاءالله حمایت (همت) او ر دسترس باشد.

و من الله التوفیق.

الفتاحه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۵ شعبان ۱۴۳۶، درگاه ابویوب سالطان